

باز از ایمان پرسیده اند که یعنی چه و مثالی بزنید

---

ایمان از کلمه امن و امنیت است یعنی امنیت درونی از خیالات آزار دهنده. زمانی این امنیت بدست می آید که وجود تغییر کند چون با وجودی که هستیم چنین امکانی نیست پس ایمان یعنی تغییر وجود برای مثال زاع سرگین خوار است و همیشه در زباله ها و بوهای گند خوش است اگر زاع دعا کند که خدایا این عادت زباله خوردن را از من بگیر این دعا اثری ندارد چون ساختار وجود زاع بر سرگین خواری بنا شده. زاع باید دعا کند که خدایا زاع بودن را از من بگیر این یعنی تغییر وجود یعنی ایمان

به آدم لجن خوار میگوید که دعا کن ای خدا این وجود لجن خواری را از من بگیر و عوض کن این یعنی تغییر وجود یعنی ایمان پس مؤمن کسی است که تغییر وجود یافته است و انسان دیگری شده است

ایمان دگرگونی ساختاری در وجود انسان است

عمر خوش در قرب جان پروردنست - عمر زاع از بهر سرگین خوردنست.

مؤمن آن باشد که اندر جزرو مد - کافر از ایمان او حسرت خورد

مهر من داری چه می جویی دگر چون خدا با توست چون جویی بشر